

تحلیل و بررسی نهاد استاپل در حقوق تطبیقی مابین حقوق کامن لا - رومی ژرمنی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۳)

عماد عاطفی^۱

رویا شیدایی

چکیده

نهاد استاپل یکی از مهم ترین ابزارهای حقوقی در نظام کامن لا به شمار می رود که نقش اساسی در تضمین عدالت، جلوگیری از رفتار متناقض و حمایت از اعتماد مشروع دارد، استاپل ریشه در دکترین قضایی دارد و به تدریج در حوزه های گوناگون از جمله قراردادها، آیین دادرسی و مسولیت مدنی به کار گرفته شده است. در مقابل در نظام رومی - ژرمنی، قاعده ای با عنوان استاپل به معنای خاص وجود ندارد اما اصولی همچون (حسن نیت)، (منع سو استفاده از حق) و (قاعده وفای به عهد) کارکردهای مشابهی دارند و در این پژوهش با رویکرد تطبیقی میکوشد که ضمن بررسی مبانی نظری و تاریخی استاپل، گونه های مختلف آن در کامن لا و جایگاه آن در کامن لا و جایگاه آن در نظام های حقوقی رومی - ژرمنی را تحلیل نماید.

واژگان کلیدی: استاپل، حقوق تطبیقی، کامن لا، رومی ژرمنی، حسن نیت، منع سو

استفاده از حق



مقدمه

یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های حقوقی در جهان، چگونگی تضمین ثبات روابط حقوقی در عین رعایت عدالت و انصاف است و همانطور که می‌دانید وجود تئوری استاپل (به عبارتی قاعده یا اصل ممنوعیت تناقض‌گویی به زیان دیگری) (اصل منع خلاف‌گویی به ضرر دیگری) که پیش از پیش در حقوق فرانسه مورد اهمیت و مطالعه موردی قرار گرفته بود؛ گرچه که اجرای اصل استاپل نزد مستشاران دیوان عالی کشور ضعیف بوده اما در پروسه داوری در سال ۲۰۰۵ به آن توسط شعبه اول حقوقی دیوان عالی کشور فرانسه ماهیت داده‌اند.

اول از همه شاید نظرتان به این سوال جذب شود که آیا استاپل یک قاعده است یا یک اصل می‌باشد؟

خیلی از دکترین بر این باور هستند که چون هر دو (چه اصل یا قاعده) منبع حقوق می‌باشد پس اینها مترداف هم هستند و می‌توان به جای یک دیگر به کار برد اما در مقاله دکتر (گیوم ویزبرگ):

(اصل قاعده‌ای یا نرم‌های عامی است که دارای خصلت غیر حقوقی بوده ولی از آن نرم‌های حقوقی استنباط نمود که قاعده نرمی است که منشا آن هر چه هست از نظر حقوقی الزام‌آور است)

و به نظر ایشان از آنجایی که در رویه‌های دیوان تفاوتی بین قاعده کلی و اصل استاپل نمی‌گذارند و حتی به جای یکدیگر نیز از آن استفاده می‌شود بنابراین هیچ‌گونه تمایزی بین آنها



قابل نیستند ولی داوران فرانسوی بر این باورند که استاپل یکی از اصول حقوق تجارت بین الملل می باشد که به طور کلی به تناقض گویی به ضرر دیگری ممنوع می باشد .

از آنجایی که در هر روندی مابین حقوق دانان اختلاف نظر حاکم می باشد ، در اینجا نیز مابین دکترین آنکلو ساکسون و روی - ژرمنی اختلافاتی می باشد ، نخستین بار در سال ۱۸۵۴ نزد کمسیون مختلط لندن که بر اساس معاهده انگلیس - آمریکا مورخ ۲ فوریه سال ۱۸۴۵ تشکیل شده بود نماینده آمریکا استاپل را به عنوان یک اصل حقوقی استناد کرد در صورتی که استاپل در حقوق فرانسه و دیگر کشورها یک قاعده می باشد .

از آنجایی که برای درک ماهیت بهتر همیشه اصل بر این است که به تاریخچه نگاه کنیم در اینجا نیز برای درک بهتر مفهوم استاپل به بررسی آن می پردازیم .

بخش اول: وجود تئوری استاپل در حقوق کامن لا

در گذشته استاپل در حقوق انگلستان از یک واژه لاتینی *stuppa* ساخته شده که به معنای نوعی عدم ایراد عدم استماع ، ایراد امر مختومه و ذینفع نبودن شخص بوده است یا بعضی از حقوق دانان به معنی بستن یا مسدود کردن دهان سخت طرف مقابل که با هدف جلوگیری از خلل و نقیصه انجام میگردد ؛ در حقوق کامن لا و در حقوق قراردادها نیز که زمینه انصاف *equity* باز می باشد و در راستای همین مورد بسیاری از حقوق دانان این اصل را به عنوان یک قاعده اخلاقی یاد میکند و بیان می دارند که استاپل ، انصاف یا انصاف در قول و وعده *promisory estoppel* را اختراع نموده است .



بخش دوم: تعریف استاپل در حقوق کامن لا

استاپل در حقوق کامن لا به عنوان یک دکترین قضایی شناخته میشود که مانع از آن گردد که شخص بتواند در دادگاه برخلاف مواضع، اظهارات یا اعمال پیشین خود استدلال کنند، زمانی که طرف دیگر به آن اظهارات اعتماد کرده و بر مبنای آن اقدام نموده است به بیان دیگر استاپل سازو کاری است که برای حمایت از اعتماد مشروع و جلوگیری از رفتار متناقض به کار می رود.

استاپل باید از مفاهیم نزدیک خود تفکیک شود:

حسن نیت: در نظام های رومی - ژرمنی اصل حسن نیت یک قاعده کلی است که تمام روابط قراردادی و حقوقی را در بر میگرد این درحالی است که استاپل بیشتر به موقعیت های مشخص و محدود در کامن لا مربوط میشود.

منع سو استفاده از حق: در حقوق ایران و فرانسه این اصل وجود دارد که هیچ کس نمیتواند از حق خود به گونه ای استفاده کند که موجب اضرار دیگری گردد. این اصل از نظر فلسفه شبیه استاپل است اما استاپل بیشتر بر مبنای (رفتار یا قول قبلی) استوار است.

اعتبار امر مختومه: در این قاعده، کسی که دعوایی را یک بار طرح کرده و حکم گرفته است نمیتواند مجددا همان دعوا را اقامه نماید و این در ظاهر مشابه استاپل است اما تفاوت در این است که استاپل تنها به قول یا عمل پیشین توجه دارد نه لزوماً به وجود رای قطعی....



بخش سوم: جایگاه استاپل در نظام کامن لا

استاپل در حقوق انگلیسی - آمریکایی نیز به معنای حقوق فرانسه میماند که رفتار طرف متعاقد در یک قرارداد، در صورت ضد و نقیض گویی زیان بار به ضرر خواهان یا خوانده جلوگیری نماید؛ نمونه بارز آن در رای ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ صادره از شعبه تجاری میباشد که مطابق این رای هیچ یک از طرفین دعوا نمیتواند علیه منافع دیگری خلاف گویی نماید (یا حرف خود را تغییر دهد) و این رای لازم اجرا میباشد.

البته شایان ذکر میباشد که قاضی کاشف واقعیت نمیشد اما از ادله موجود؛ کسی نمیتواند سخنی خلاف سخن اول خود گوید که به ضرر دیگری تمام شود درواقع ماهیت کار ساده اما دارای آیین دادرسی پیچیده میباشد (براساس نظر دیوان عالی کشور شرکت gewiss که خودش فرجام خواهی را علیه رای ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۵ از دادگاه استیناف لیون درخواست نمود و به هنگام دادرسی خود را محق به رجوع از موضوع قبلی دانسته و تصمیم دادگاه ادعای ایشان فاقد شخصیت حقوقی بوده و باطل و مردود شناخته شده است).

به عبارتی همانطور که بیان شد در حقوق قراردادها کشور انگلستان تناقض حاکی از سونیت طرف متعاقد که میتوان با استعانت از مفهوم تفسیر و در قالب زوال و سقوط تعهد به علت نقض قرارداد برای آن ضمانت اجرایی در نظر گرفت.



بخش چهارم: نظریات حقوق دانان در مورد تئوری وجود استاپل

محی الدین مبروک متعقد می‌باشد که: (استاپل یک وسیله رد دعوا (یا ایراد عدم استماع) است به نحوی که قطعی آن مانع است که یکی از طرفین دعوا با یک تغییر ناگهانی عقیده ، خلاف آنچه را که گوید که حتی به نحو تلویحی قبلاً گفته یا کرده است).

عده ای از حقوق‌دانان بدین گونه نیز استاپل را تعریف می‌نمایند که :

(ممنوعیت یکی از طرفین دعوی به اینکه آنچه را که قبلاً گفته یا انجام داده - یا این طور وانمود کرده است - در یک مرجع قضایی انکار یا رد نماید).

کریستیان دومینیس نیز در قاعده استاپل به این نتیجه رسیده که: (به طور خلاصه استاپل عبارت از امر مسلمی است که امکان پذیر و شدنی که بنابر آن یک دولت ، دیگر حق ندارد امری را مدلل سازد و مدعی آن شود ؛ به طوریکه باید گفت با آن در قلمرو عدم قبول دعوا قرار گرفته ایم).

دو حقوق دانان کشور انگلستان به نام های Spencer Bower و Turner ایرادهای عدم استماع را به پنج دسته تقسیم می‌نمایند :

۱. سونیت مخاطب representation

۲. الغا یا فسخ representation توسط صادرکننده آن

۳. تقلب یا اجبار



۴. ایراد عدم مشروعیت (خلاف قانون بودن)

۵. وجود cross-estoppel (استاپل علیه استاپل)

اما در آرای دیوان محاکم بین المللی دادگستری هیچ اشاره ای به این مورد پنجم دیده نشده گمان میرود که فقط در حد تئوری می باشد و کاری بس مشکل است اما در *sir percy spender* در نظر مخالف خود در پرونده معبد پره آویهار به بعضی نکات اشاره جزئی نموده اما صحبتی در خصوص cross-estoppel نمی باشد.

برای مثال میتوان به مورد اول (سو نیت مخاطب) که به این دعوا کمیسیون مصالحه ایتالیا - آمریکا در خصوص پرونده *Flegenheime* که به استدلال دادگاه ایتالیا تئوری تابعیت ظاهر اعتقاد نیافته و همراه نشده است به عبارتی منع تناقض گویی به غیر در نهاد استاپل حقوق آنگلوساکسون بوده که آقای *flegenheimer* بعد از سلب دستوری تابعیت او در کشور آلمان در سال ۱۹۴۰ به سورت متوالی از گذرنامه آلمانی استفاده کرده و در موقعیت کنونی نمیتوانسته مدعی داشتن پاسپورت آمریکایی باشد تا از مزایای صلح مورخ ۱۹۴۷ ایتالیا استفاده کند بنابراین کمیسیون تاکید می ورزد که در سال ۱۹۴۱ اجازه ویزا و ارز مورد استفاده آنان لغو شده و آنها تابعیت آلمانی خود را از دست داده اند از این رو یکی از ارکان ایراد عدم استماع یعنی سو نیت مخاطب رخ داده بنابراین قاعده استاپل در اینجا انجام خواهد شد.



بخش پنجم: وجود تئوری استاپل در حقوق رومی - ژرمنی

در نظام رومی - ژرمنی نهاد استاپل به شکل مستقیم وجود ندارد، اما مفاهیم مشابهی در قالب قوانین مدون و اصول حقوقی یافت می‌شود که این اصول همان فلسفه جلوگیری از رفتار متناقض و حمایت از اعتماد مشروع را دنبال می‌کند.

در مقاله دکتر گیوم ویزبرگ بیان می‌دارد که: در حقوق فرانسه استاپل به طور تنگاتنگی به اصل حسن نیت چسبیده و با آن عجین است اما در حقوق انگلستان چنین نیست و در حقوق انگلستان حسن نیت با توجه به پرتوهای *equity* اصل حقوقی محسوب نمی‌شود و شاید این نقطه تمایزی بین دکترین باشد و حتی نظام حقوقی رومی - ژرمنی نیز استاپل را فقط در یک مورد به رسمیت می‌شناسند

(منع طرف دعوا در استناد به احتجاجات متناقض چنانچه ادعای مزبور مایه خسران گردد) ؛ به عبارتی دیگر استاپل فرانسوی از استاپلی که در حقوق کامن لا می‌باشد معنای متفاوتی از یک دیگر می‌دهند اما ضمانت اجرایی یکسان در تمامی حقوق را دارند بنابراین از این رو چنانچه طرفی که استاپل علیه او اقامه شده است با ایست مواجهه است درخواست را پذیرش نکند ماهیت آن رد می‌شود .

تئوری استاپل از زمان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۰-۱۹۴۵) که در قضیه پرداخت اجاره بها معوقه سالهای جنگ بین موجر و مستاجر، دعوی میان زوجین به عنوان یک قاعده اخلاقی و انصاف، در حقوق معنوی شخصی که زمانی که شخص را به وجود حقی بیاوراند و سپس این توقع برآورده نشود در صورتی که این اعتقاد صحیح و مشروح باشد تا حقوق تجارت بین الملل که



از طریق داوری وارد شده است، دعوی تجاری *sedeae* را حل و فصل نموده و بیان کرده است که مبنای اخلاقی این اصل در همه جا یکسان است و اگرچه من غیر حق رخ دهد محکوم و مردود و باطل شناخته میشود.

و اگر رفتار، کردار و گفت و گوهای متضادی به موجب این اصل رخ دهد و به غیر ضرر وارد نماید یا بر اعتماد و باور پاک و خلوص نیت صدمه وارد کند محکوم تلقی میگردد.

یا به عبارت دیگر پنسول بیان می دارد که: (استاپل ضامن حسن اعتماد؛ اعتماد پاک؛ طرف مقابل است).

بخش ششم: تعریف استاپل در حقوق رومی - ژرمنی

در حقوق رومی - ژرمنی اصطلاح استاپل به صورت مستقیم وجود ندارد اما عده ای از حقوق دانان بدین گونه تعریف مینمایند که: (قاعده ای است که مانع از رفتار متناقض یا سو استفاده از حق اشخاص میشود، زمانی که طرف مقابل به اعتماد مشروع آنها اتکا کرده باشد).

بخش هفتم: اقسام استاپل در حقوق رومی - ژرمنی

۱. استاپل قراردادی

وقتی یکی از طرفین قرارداد براساس اعتماد به تعهدات طرف دیگر عمل میکند؛ طرف مقابل نمیتواند برخلاف تعهدات خود رفتار کند که نمونه بارز آن در اصل حسن نیت در اجرای قرارداد BGB آلمان و ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه



۲. استاپل ناشی از مالکیت یا حقوق عینی

وقتی شخصی در خصوص مالکیت یا حق عینی قول یا رفتاری می‌دهد و دیگری بر اساس آن اعتماد مشروع پیدا کرده است که نمونه بارز آن در اجرای قرارداد آلمان BGB ۲۴۲ S که به اصل وفاداری و حسن نیت اشاره مستقیم شده است همانند قاعده لاضرر در ایران می‌باشد.

۳. استاپل ناشی از رفتار متناقض

۴. استاپل مبتنی بر قول یا وعده

بخش هشتم: جایگاه استاپل در حقوق رومی - ژرمنی

برخلاف استاپل در کامن لا که محصول رویه قضایی است در حقوق رومی - ژرمنی از طریق قوانین مدون و اصول کلی حقوق اعمال می‌شود مثل قرارداد آلمان درباره اجرای اصل وفای به عهد و حسن نیت BGB ۲۴۲ S، ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی فرانسه و یا قاعده لاضرر در اسلام و.....

بنابراین در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه و اصل استاپل و حسن نیت ارتباطی مشهود است و این اصل در پرونده‌های معنوی، تجاری، دعوی میان زوجین و امور مابین موجر و مستاجر توسط دیوان و هیات عالی کشور شناسایی و به رسمیت شناخته شده‌اند و نمونه بارز استاپل حقوق داوری فرانسه در رای ۶ ژوئیه ۲۰۰۵ که به رای گلشنی معروف می‌باشد و توجه بسیاری از منتقدین و حاشیه نویسان را به خود جلب کرده که در متن مذکور بیان شده است: (آقای گلشنی که خود تقاضای رسیدگی به داوری از دادگاه حل و فصل اختلافات میان ایران و ایالات متحده آمریکا نموده بی قید و شرط طی ۹ سال به آیین داوری آن تن داده است؛



پس بنابراین از آنجایی که نه سال بدون قید و شرط به آیین داورى تن داده پس دیگر نمیتوان خلاف قاعده استاپل عمل نماید).

که در مقاله دکتر پنسول بدین گونه اشعار می دارد:

(هر یک از اصحاب دعوا حق ندارد به موضع اتخاذ شده خود، خلاف موضعی خود را به محق اعلام کرده است، و در برابر طرف مقابل استناد نماید که منجر به تغییر موضع اولیه طرف اخیر و ضرر او گردد).

از این رو با توجه به اصل استاپل کسی حق ندارد موضوع اتخاذی اولیه خود را تغییر دهد، و در برابر داوران موجب ناسازگاری شود از این رو دیوان عالی کشور فرانسه توجه خاصی در طی صدور آرا به استاپل دارد و از آنجا که دیوان مرجع عالی و یکتا در دادرسی میباید پس رای آن لازم الجرا تلقی میشود.

رای دیگری که به تایید منع تناقض گویی به ضرر غیر میردازد ۲۲ ژوئن ۲۰۱۷ توسط دیوان عالی کشور که در این رای بیان شده است اگر در رسیدگی واحدی تغییری در موضوع دادخواست وجود نداشته استاپل را نباید به کار ببرند به عبارتی خواهان یا خوانده دعوا حق ندارد به اعتماد صادقانه دیگری و آنچه که ابتدا بیان شده است خیانت نماید و در رای سال ۲۰۱۷ این تصدیق توسط دیوان عالی کشور انجام شده است:

(زمانی که دو خواهر برای فروش شیء کلکسیونی ارزشمند را در خارج مزایده اقدام به فروش نوتیل نمودند موزه ملی استکهلم ادعا نمود که این صدف ارزشمند یا نوتیل در سال ۱۹۸۳ از موزه ربوده شده، دو روز قبل از دادگاه دو خواهر همچنان بر مالکیت صدف ادعا نموده اما



روز پیش از دادگاه ادعا خود را تغییر داده و مالک آن را مادر خود دانسته که برای آنان یادگاری گذاشته است و بنابراین تقاضای موزه نسبت به آنان مدخوش و مردود واقع شده اما دادگاه استیناف پاریس اعلام نمود که دو خواهر نمیتوانند از ادعای خویش یا آنچه که ابتدا عرض نموده اند و به ضرر موزه ادعای دیگری مطرح نمایند از این رو بنا به احتجاجات مطروح در رسیدگی فوری ترتیب نظری اختصاص دادند که مربوط به اصل منع تناقض گویی به ضرر دیگری میباشد و صرفاً خلاف گویی را در این پرونده مورد توجه قرار داده و راجع به خواسته دعوا و فرق میان روایت (وقایع) و ادله را در برمیگیرند).

به موجب آرای که از سوی دیوان عالی کشور صادره شده از یک سو تعریف استاپل را در حقوق داخلی فرانسه تثبیت نموده است که بیان میدارد: (تغییر موضعی که طبعاً قادر است باعث خطای طرف مقابل در مراد و مقصود خود گردد به عبارتی باید مراقب بود که استاپل سهواً به مقاصد صرفاً احمالی جهت وقفه و مقابله با تسلسل استدالات به کار گرفته نشود).

پس از این رو اگر این نهاد استاپل به درستی به کار گرفته شود ابزاری برای صحت و صداقت و اخلاقی کردن دعوahas و آینده ای بزرگ را پیش روی تمامی کشورمانند حقوق انگلستان، ایالات متحده، استرالیا و کشورهای کامن لا و هم چنین حقوق المان و اسپانیا و فرانسه و... خواهد بود.

نتیجه گیری

در بررسی تطبیقی استاپل در حقوق کامن لا و رومی - ژرمنی نشان میدهد که هر دو نظام دنبال هدفی مشترک میباشند از قبیل حذف اعتماد مشروع، جلوگیری از رفتار متناقض و



تضمین عدالت در روابط حقوقی با این حال از راه های متفاوتی می‌خواهند به این اهداف دستیابی کنند و از انجایی که قاعده استاپل حسب اعتقاد بسیاری از حقوق دانان یکی از اصول کلی حقوقی می‌باشد که مبتنی بر اصل حسن نیت و وفای به عهد شمرده می‌شود پس در دادگاه، اصول کلی حقوقی و مدون و رویه قضایی بین المللی به کار گرفته شده است که نمونه های بارز این پرونده ها در همین مقاله موجود می‌باشد که به طور کلی با مطالعه ای که در این تحقیق صورت گرفته میتوان بدین گونه استنتاج نمود که :

۱. انصراف از دعوی به معنای خاص همان معنای استاپل را میدهد که هر دو از ایراد هایی که در حین رسیدگی یا در جلسه رسیدگی پیش می آید .

۲. این تقاضای استرداد دعوی اکثرا از سمت خواهان دعوا مطرح میشود نه خواننده همان گونه که یک قاضی انگلیسی در این باره چنین گوید ، ایراد مزبور سپر است نه شمشیر .

۳. با تثبیت رویه قضایی دیوان ، مبنی بر اینکه رسیدگی به اتمام رسیده باشد دیگر قاعده استاپل کارایی نخواهد داشت و نمیتوان از آن استفاده نمود .

تاکنون نمونه ای از استاپل در رویه دیوان بین المللی دادگستری در قاعده استاپل آمده است که استاد مونکس بیان میدارد: وقتی که در جریان رسیدگی ، یکی از طرفین دعوی برخورد یا رفتاری معین بروز دهد یا مطالبی را اظهار دارد، این امر ممکن است سبب شود طرف دعوی در مواردی موضع خاص بگیرد یا وقایعی را مطرح سازد طرف دعوی بدین ترتیب موجب به وجود آمدن وضع معین در طرف شده است و دیگر حق ندارد به وقایع خلاف آنچه که قبلا مطرح شده است استناد جوید).



منابع و مآخذ

۱. چشر، اف، فیتوف، سی. اچ. اس؛ حقوق قراردادها، چاپ هفتم سال ۲۰۱۷، انتشارات دانشگاه آکسفورد
۲. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، ص ۳۵
۳. برای مطالعه جنبه‌های گوناگون آن رک؛ محمود صمصامی مهاجر، استرداد دعوی، مجله حقوقی، شماره اول، زمستان ۱۳۶۳، ص ۷۳-۱۱۵
۴. دکتر ناصر کاتوزیان، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، کانون وکلای دادگستری، چاپ سوم، تهران، اسفند ۱۳۶۸
۵. آنتوان مارتن، قاعده استاپل، ص ۳۵۰-۳۵۳